

نسیم زندگی



آرایش و آراستگی میان زنان و مردان مسلمان چگونه باید باشد؟

نازنینان فارغ از آرایش مشاطه‌اند!

حسین سروقات*

در جهان امروز سبک زندگی (Lifestyle) بسیار مهم شمرده می‌شود؛ مجموعه‌ای از منش‌های ذاتی ما و همچنین روش‌هایی که برای ادامهٔ حیات برگزیده‌ایم. بحث سبک زندگی در بسیاری از سخنان رهبر فرزانه و از جمله بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. ایشان در مهر ۱۳۹۱ در جمع پرشور جوانان خراسان شمالی سوآلات مهمی را در این خصوص مطرح کرده و آسب‌شناسی آنها را خواستار شدند. در پاسخ به این مطالبه اساسی هر هفته یکی از این سوالات را مطرح نموده و بررسی پاسخ خواهیم کرد. تاکنون به ۲۵ پرسش و بررسی آن پرداخته‌ایم و اما سوال بیست و ششم: «مسئله آرایش در بین مردان و زنان چطور است؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟»

■ ■ ■

■ از آرایش زنان تا آراستگی همگان

اگر واژه آرایش را در لغت‌نامه دهخدا جست‌وجو کنیم به کلماتی نظیر زینت، زیور، جمال، تجمل، پیرایه و تزئین برمی‌خوریم. کلماتی که در دل هر یک، زیبایی و آراستگی نهفته است. همچنین می‌توان آرایش را به مفهوم اخص کلمه به زینت و زیوری که افراد روی مو، صورت و بدن خویش به کار می‌برند، اطلاق کرد (که لوازم آرایش نیز در همین مفهوم استفاده می‌شود) یا آن را به معنای اعم کلمه به معنای زیبایی، شیک‌پوشی و آراستگی ظاهر دانست.

آرایش به مفهوم اول عمدتاً توسط زنان استفاده می‌شود، هرچند گاه‌گاهی مردان نیز از آن بهره‌ای می‌برند، اما آراستگی مفهومی است که شامل همه اشخاص می‌شود و تنها به یکی از دو جنس زن یا مرد اختصاص ندارد. پرش رهبر معظم انقلاب نیز ناظر بر چگونگی وضعیت آرایش زنان و مردان و همچنین درستی و فایده آن است. امری که ما در این مقال قدری به آن خواهیم پرداخت.

■ آرایش زنان و مردان در مسیر تغییر

اگر به عنوان یک ناظر نقاط مختلف کشور را مورد توجه قرار داده یا به عنوان یک پرسشگر به بررسی نشانه‌های وضعیت آرایش در جامعه سنتی و مدرن بپردازید، به چند نکته مهم دست می‌یابید:

– هر قدر از آغاز انقلاب اسلامی فاصله گرفته‌ایم، شور و هیجانی که معمولاً در ابتدای هسر نهضت و انقلابی بر-

سطوح مختلف جامعه سایه می‌گسترده کمتر شده و جای خود را به وضعیت پائبات‌تری می‌دهد. بر همین منوال دامنه حجاب و آرایش زنان نیز بازتر و فراخ‌تر شده و به مرور زمان تغییر کرده است.

– گلوبالیسم (جهانی شدن)، گسترش اینترنت و به ویژه شبکه‌های اجتماعی، استفاده از ماهواره، نمایش انواع و اقسام مد مخصوصاً در خودنمایی و برزادان‌های دائمی شبکه جهانی اینستاگرام، تفاوت جدی و اساسی نسل‌های مختلف با یکدیگر، تغییر گروه‌های مرجع از والدین و دانشمندان به سلبریتی‌ها و هنرمندان و گسترش ارتباط دختران و پسران جوان در کافی‌شاپ‌ها، دانشگاه‌ها، پارک‌ها، مجالس عیش و نوش و… همه و همه به تغییرات دامن‌گیری در وضعیت آرایش افراد جامعه منتهی شده‌است.

– در چنین شرایط شکننده‌ای بخش گسترده‌ای از زنان پیشگراول آرایش و خودنمایی هستند، هرچند این امر به جامعه مردان نیز سرایت کرده و کم‌کم قبح برخی مظاهر زنانه آرایش نظیر مش کردن مو و سوری و برداشتن زیر آبرو و نیز در مردان ریخته است.

– در بخش عمده‌ای از جامعه ایرانی گویا عفاف و حجاب دارد آهسته آهسته جای خود را به تیرج و خودنمایی می‌دهد و این خود بیانگر واقعیت تلخ و نهفته‌ای است که: «اگر می‌خواهی خواهان داشته باشی، باید خودت را نشان دهی!»

■ درستی و نادرستی آرایش زنان و مردان

اگر بخواهیم به درستی و فایده آرایش زنان و مردان پی ببریم، لازم است میان این مقوله در خانسواده و فضای عمومی جامعه تفاوت قائل شویم. مردم تردید آرایش متعارف زنان و مردان در خانه و بساری یکدیگر امری مطلوب و پسندیده است. دین مبین اسلام نیز این نوع آرایش را مجاز شمرده و مایه استحکام خانواده می‌داند، اما اگر همین امر به جامعه سرایت کند، نه تنها مجاز نیست که باعث ایستایی فعالیت‌های سازنده و وسوسه و تحریک آحاد جامعه می‌شود. در اینجا لازم است مقصود خود را با ذکر مثالی بیان کنیم. اگر صاحب یک مغازه کبابی در ملاماغ اقدام به طبخ کباب کند و دود و دمی راه بیندازد، اما از فروش آن به مشتریان خودداری کند، درباره او چه قضاوتی می‌کنید؟ آیا رفتار او را مجاز شمرده، برای انجام چنین کاری به او حق می‌دهید؟ طبعاً پاسخ شما منفی است. او حق ندارد شمه مردم را تحریک نموده و او عرضه

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

د

مرتب کردن لباس‌ها و به اصطلاح امروزی «ست کردن» آنها از جهت پارچه، رنگ و مدل نیز با تعالیم اسلام منافاتی ندارد و در این خصوص تفاوتی میان زنان و مردان نیست. هرچند در مواردی نیز اسلام میان آراستگی زنان و مردان تفاوت گذارده است. مثلاً در برخی احادیث به مردان سفارش شده که ناخن‌های خود را کوتاه کنند، در حالی که به زنان توصیه شده برای زیباتر شدن، آنها را بلند نگه دارند. البته اسلام نسبت به اینکه فرد مسلمان در برخی شئون از سایر مردم متمایز باشد، روی خوشی نشان نداده است

د

کالای خویش امتناع ورزد؛ بر اساس همین معیار آیا زن و مرد جوان حق دارند با هر نوع آرایشی در جامعه ظاهر شوند؟ آیا آنان می‌توانند با استفاده از انواع لوازم آرایش (عمدتاً از سوی خانم‌ها) و نمایش قسمت‌های جذاب بدن و همچنین پوشیدن لباس‌های بدن‌نما و تحریک‌کننده، دلمشغولی‌های مخربی در افراد به وجود آورده، آنان را از حق تعامل سالم در اجتماع بازدارند؟ جوانی که در مقابل چنین جلوه‌های فریبنده‌ای واقع شده، باید چه کند و در برابر سرفه گسترده‌ای که اجازه دست بردن به آن را ندارد، چگونه رفتار کند؟ طبیعی است که با باید به دستور دین عمل کند و با نگاه نکردن به نامحرم خود را در معرض وسوسه‌های گناه آلود قرار ندهد که طبعاً چنین کاری نوعی فشار روانی به جوان وارد می‌کند. یا در خیال خود به گناه افشاده و گرفتار عذاب و جدان شود یا برای تسکین این میل غریزی به جرم و جنایت دست یازد… شما کدام یک از این نسخه‌ها را تجویز می‌کنید؟ ملاحظه می‌کنید که بی‌مبالاتی در جامعه جز فساد و تباهی راه به جایی نمی‌برد!

■ آراستگی زنان و مردان چگونه باید باشد؟

اکنون و در این قسمت از بحث به بیان معنای اعم کلمه آرایش یعنی زیبایی و آراستگی افراد جامعه می‌پردازیم. در فرهنگ قرآن پوشش مناسب که سبب عفت زن مسلمان است، از لوازم آراستگی به شمار می‌رود. پوشیدگی، زن را از نگاه‌ها و سایر تعرض‌های ناروا دور نگه می‌دارد. برای همین زنان از آشکار کردن زیورهای خود در مقابل نامحرم‌مان منع شده‌اند. البته آشکار کردن دست‌ها و صورت به شکل متعارف منعی ندارد. همچنین

د

اسلام در دوره‌هایی که اغلب مردم از جهت رفاه مادی شرایط مناسبی دارند، پوشیدن لباس‌های فاخر و گرانبها را نیز مجاز می‌شمرد. در مکتب متعالی ما تما یلات ز بیبا پسندی انسان سر کوب نمی‌شود و استفاده از موابه خدادادی شکر آیین نعمت‌ها تلقی می‌شود

۱- مشاطه، آرایشگر

سبک نگرش



نتیجه رقابت برای شاد بودن برد – برد نیست

شادی زورکی افسردگی می‌آورد!

شادی را کمتر در قالب نبود درد و بیشتر در قالب زیادت به‌رزی می‌بینند. مثلاً ریچارد لایارد، اقتصاددان انگلیسی، طرح چیزی را تدوین کرد که می‌توان «اقتصاد شادی» شمرد. این ایده هم‌اکنون مبنای یک پیمایش سالانه به نام گزارش جهانی شادی است که اندازه می‌گیرد در آمد فرد و ثروت جامعه از سرتان می‌گذرد، پس قطعاً آن لایه سنگین غم را هم می‌شناسید که سر تاسر زندگی را خاکستری و عبوس می‌کند، اما آیا نسبتی نیست میان این شادی دست‌نیافتنی و غم‌همیشگی؟ شاید باید دنبال نوع دیگری از شادی باشیم. ■ ■ ■

در سال ۱۹۲۰، روانشناس امریکایی جان ب. واتسون مقاله‌ای پژوهشی منتشر کرد که در زمره مشکوک‌ترین کارهای اخلاقی قرن بیستم به شمار می‌رود. واتسون همراه با روزالی رینر، دانشجوی ۱۲ساله تحصیلات تکمیلی دانشگاه جانز هاپکینز در بالتیمور که محل تدریس بود، می‌خواست نوعی ترس خاص را به یک بچه القا کند. ترسی که فارغ از این آزمایش احساسی طبیعی بود.

در آن زمان، شرطی‌سازی رفتار منحصراً در قلمروی حیوانات انجام می‌شد، اما واتسون و رینر یک بچه نه‌ماهه به نام مستعار آلبرت را برای مطالعه‌شان انتخاب کردند، به مادرش یک دلار دادند و چندین حیوان کوچک زنده را مقابلش گذاشتند، از جمله یک موش که او در ابتدا با بازیگوشی به آن علاقه نشان داد. وقتی آلبرت مشغول بازی با موش بود، آزمایشگران با چکش یک میله فولادی زدند. صدای بلندی ایجاد شد که بچه را ترسانند و به گریه انداخت. پس از چند بار تکرار، کافی بود آزمایشگران موش را به آلبرت نشان بدهند تا به گریه بیفتد. حتی بدون آن صدا، آنها توانسته بودند ترس از موش‌ها را با شرطی‌سازی در او تزریق کنند که در نهایت به ترس از چندین و چند حیوان با پوست مودار و خزدار مثل خرگوش‌ها و سنجک‌ها هم تسری پیدا کرد. پس از چند روز، این آزمایش غیرمنتظره به هیاهویی عمومی منجر شد (چون حالت شرطی‌شده آلبرت را از بین نبردند) یا حتی اعتراضات علمی برانگیخت چون گروه کنترل خاصی در کار نبود. به هر حال، این آزمایش نشان داد که هزاران روش می‌توان شرطی‌سازی رفتار را نه تنها روی حیوان‌ها، بلکه روی انسان‌ها نیز پیاده کرد. امروزه این نوع دستکاری‌های رفتاری به‌روالی عادی تبدیل شده‌اند، اما به لطف کلان‌داده و محیسط دیجیتال که نظارت الگوریتمی در آن کمابیش همه جا سلامت، شکل‌های فزاینده و مودبانه‌تری به خود گرفته‌اند، ولی به‌جای شرطی‌سازی برای القای ترس‌های خاص، اکنون ششادی به هدف رایج‌تر دستکاری‌های روانشناختی تبدیل شده است. از جهات مختلف می‌شود گفت که شادی همانا دستاورد بازار یابی طی یک دهه اخیر بوده است، چنانکه محصولات

مراقبت از خود و ضداسترس اکنون فهرست پر فروش‌های آمازون را بر و کنایه کتاب‌های پر مخاطبی لانه کرده‌اند که «بلاگرهای شادی‌نویس» تألیف می‌کنند. آنچه همه این چیزها را گرد هم آورده است، نسخه‌ای خاص نگران‌کننده و بسیار جدید از «شادی» است که می‌گوید باید به هر قیمتی از احساس‌های بد پرهیز کرد. این حکم به پرهیز از شادنبودن (و حتی ظاهر شادنداشتن) فرهنگی را رقم زده است که در آن هر کس از شرطی‌سازی اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی دیگر، پیش چشم عموم مردم بگذارد. این زندگی هم سلسله‌ای از «تجربه‌های فوق‌العاده» است و لاغیر. غم و یأس رد می‌شوند و حتی تجربه‌های خنثی یا پیش‌فانده زندگی نیز از قاب تصویر تروش می‌شوند. انگار که ظاهر ناشاد، بنا به اخلاقیات پروتستان، نوعی نقص شمرده می‌شود؛ «انگار به قدر کافی سختکوش نبوده‌ای یا به اندازه کافی به خودت باور نداشته‌ای.»

می‌توان رد پای این نوع فهم از شادی را در بنیان‌های جهان غرب دید. متفکران مدرن،

نقل از وب سایت ترجمان نوشته: کدی دستراتی ترجمه: محمد معماریان

تلخیص: سیمین جم / مرجع: aeon